

شبیه‌یون واژه‌های بیگانه و تمهیدات و مصوبات فرهنگستان زبان و ادب فارسی

شاپوررضا برنجیان^۱

^۱ هیات علمی گروه زبانشناسی رایانه‌ای مرکز منطقه‌ای اطلاع‌رسانی علوم و فناوری

چکیده

هر زبانی در طول دوران تحول خود، فراز و نشیب‌هایی را پشت سر می‌گذارد و گذر از این مراحل گاهی موجب غنی شدن و پر باری محتوایی آن می‌گردد. و زبان فارسی نیز پس از هر فرویدی، فرازی را تجربه کرده و از این فرازها نهایت استفاده را برده و تاثیرات زیادی را در زبان‌های دیگر بر جا گذاشته است. امروزه اگرچه شاید روشها و الفاظ و نام‌ها تغییر کرده باشند، اما ماهیت رفتار یک زبان بیگانه‌ی در حال نفوذ، مشاهده می‌شود. وقتی در دنیای کنونی زبانشناس‌های سایر زبان‌ها به دنبال جهانی کردن زبان کشورشان هستند و متخصصان کشورهای سلطه طلب نیز به دنبال افزایش قدرت زبان خود و غلبه بر سایر زبان‌ها می‌باشند. اعتماد و خوش بینی در مقابل چنین عملکردی قطعاً جایز نیست. افزایش قدرت و گسترش زبان فارسی با توجه به اصالت آن، کار سختی نیست، ما در این مقاله، علاوه بر ذکر مراحل تشکیل و تاریخچه فرهنگستان، به نفوذ زبان فارسی در سایر زبان‌ها نیز اشاره می‌کنیم.

واژگان کلیدی: فرهنگستان زبان، زبان‌های بیگانه، زبان فارسی، واژه‌های بیگانه.

مقدمه:

جهت برقراری ارتباط با افراد قبایل و ملت‌های گوناگون، واژه‌هایی رد و بدل گشته و در زبان‌ها باقی می‌ماند. همچنین گسترش روز افزون مفاهیم و نیاز به افزایش معلومات در جامعه از طرفی و کنج‌کاو‌ی انسان از طرف دیگر، آدمی را بر آن می‌دارد تا به مطالعه پرداخته و به کلمات سایر ملل دست یابد (کمال، ۱۳۸۳).

تحول زبان‌ها در طول زمان اغلب آن چنان به صورت تدریجی به وقوع می‌پیوندد که خود سخنگویان نیز تا پس از گذشت یک قرن یا بیشتر متوجه آن نمی‌شوند. تحول ممکن است در همه جنبه‌های زبان رخ دهد، در تلفظ، در نحو، در واژگان و در معنا. از میان این چهار حوزه تحولات واژگانی بیش از همه مشهود است و تقریباً همه روزه می‌توان شاهد آن بود. (فالك، ۱۳۷۱)

تبادل واژه‌ها بین اقوام مختلف امری نو و جدید نیست و از ابتدای پیدایش تبادل فرهنگی خودبخود تبادل واژگانی نیز در بین جوامع مختلف رایج بوده است؛ زیرا این امر موجب کمال زبان بوده و روشی برای غنی سازی آن است. ملک الشعرا می‌نویسد: در عالم هیچ زبانی نیست که بتواند از آمیختگی با زبان دیگر خود را برکنار دارد مگر زبان مردمی که هرگز با مردم دیگر آمیزش نکنند و این نیز محال است، چه به وسیله‌ی تجارت و سفر و معاشرت و حتی به وسیله‌ی شنیدن افسانه و روایات ملل دیگر، لغاتی از آن قوم به این قوم ارسال می‌گردد و همه‌ی زبان‌های عالم از این رو دارای لغت‌های دخیل است (بهار، ۱۳۶۹). بطور خلاصه می‌توان گفت که عواملی مانند: جنگ، ارتباطات بازرگانی، صنعت و علم، عقاید، مکاتب و ایدئولوژی‌ها و ارتباطات فرهنگی (همچون: پوشاک، خوراک، موسیقی، بهداشت و ...) موجب تبادل و وام‌گیری واژه‌ها را بین اقوام و ملل تسریع می‌نماید، اما این موضوع چون در دوران باستان به دلیل وجود فاصله‌ی مکانی بسیار بین اقوام کاملاً بیگانه و هجوم گاه و بی‌گاه اینگونه اقوام به همدیگر و عدم وجود وسائل ارتباطی بین اقوام و عدم احساس نیاز به اینگونه وسائل، به کندی انجام می‌پذیرفته، لذا تبادل واژگان آنچنان معضل مهمی محسوب نمی‌شد، اما هنگامی این موضوع جدی و مهم قلمداد می‌گردد که این تبادل یک طرفه بوده و از طرف غرب با ورود تسلیحات نظامی و ابزار جنگی و نظامیان و مستشرقین اروپایی، مهندسين وابسته به آن‌ها به بهانه‌ی نقشه برداری و ایجاد راه و ساختمان، تونل و احداث راه آهن، مخابرات، رادیو و ... واژه‌های فنی و غیرفنی بسیاری را به زبان فارسی تحمیل می‌کنند، هم زمان با مسلح شدن نیروهای رزمی ایران برای مقابله با دشمنان زمینی و حفاظت از مرزهای جغرافیایی مرزهای فرهنگی و زبانی ما نیز مورد هجوم بی‌وقفه غربی‌ها قرار می‌گرفت، پدران ما در برابر هجوم واژه‌های بیگانه چنان محو و مبهوت مانده بودند که تا سال ۱۳۱۳ هیچ فعالیتی برای مقابله با این نفوذ انجام ندادند. در این سال وزارت معارف در صدد بر آمد تا «آکادمی طبی» را تشکیل دهد و برای مطالعه در این امر جلساتی با حضور چند تن از پزشکان معروف و بعضی از دانشمندان در دانشکده طب تشکیل یافت و نام «فرهنگستان» بعنوان معادل آکادمی در یکی از آن جلسات اختیار شد. و اساسنامه‌ای نیز برای فرهنگستان طبی نگارش یافت. پنج ماه بعد یعنی در زمستان ۱۳۱۳ ناگهان اندیشه‌هایی در اصلاح زبان و لغت و طرز نگارش فارسی بوجود آمد و در اوایل سال ۱۳۱۴ وزارت معارف طی بخشنامه‌ای به ادارات تابعه اعلام کرد تا قبل از تأسیس انجمن مخصوصی متشکل از لغویون و دانشمندان از بکارگیری لغت جدید یا تبدیل لغات به لغات فارسی خودداری نمایند. تا اینکه در تاریخ ۱۳۱۴/۲/۲۹ اساسنامه فرهنگستان به تصویب هیئت دولت رسید. فرهنگستان پس از آغاز بکار، در نظام نامه داخلی خود پیش بینی کرد که کمیسیونهای زیر را برای اجرای اساسنامه تشکیل دهد.

- کمیسیون لغت
- کمیسیون اصطلاحات پیشه و ران
- کمیسیون دستور
- کمیسیون کتب قدیم
- کمیسیون اصطلاحات و لاتین
- کمیسیون راهنمایی
- کمیسیون خط

اولین جلسه این فرهنگستان در تاریخ ۱۳۱۴/۳/۱۲ و به ریاست محمدعلی فروغی تشکیل گردید. پس از آغاز فرهنگستان، بر طبق مندرجات سالنامه‌های دانشسرای عالی انجمن اصطلاحات علمی هر سال در حدود ۳۵۰ لغت گردآورده و در حدود ۴۵ اصطلاح علمی در جلسه‌های عمومی خود تصویب کرده، بطوریکه از سال ۱۳۱۱ تا سال ۱۳۱۹ خورشیدی رویهمرفته نزدیک ۳۰۰۰ واژه وضع و طبقه بندی شده که از میان آن‌ها چهارصد لغت توسط استادان و دبیران در کتاب‌ها و درس‌ها بکار رفته است. که در زیر به تعدادی از این لغات اشاره می‌شود. (دهخدا، ۱۳۷۱)

گشت آور	Moment	گرماسنج	Calorimeter
بی در رو	Adiabatique	تراوش	Osmoses
گروش	Gravitation	آمیخته	Mélange
تپش	Pulsation	همریخت	Isomorph
پیوسته	Continue	گردونه	Meteor

تا اینکه پس از انقلاب اسلامی در سال ۱۳۷۰ با توجه به اهمیت گزینش برابره‌های فارسی، برای لغات فرنگی راه یافته به زبان فارسی، فرهنگستان زبان و ادب فارسی جمهوری اسلامی ایران به ریاست آقای دکتر حدادعادل از نخستین ماه‌های سال مذکور، تدوین و تنظیم اصول و ضوابط واژه‌گزینی را وجهه همت خود قرارداد و سرانجام پس از بحث‌ها و گفتگوهای طولانی قواعدی را به تصویب رساند. این مجموعه‌ی قواعد، طبعاً موجز و مختصر بود و شرح و تفصیلی می‌خواست تا برای کارشناسان و پژوهشگران و اعضای گروه‌های تخصصی واژه‌گزینی که با فرهنگستان همکاری دارند مفیدتر باشد. بنابراین پژوهشگران گروه واژه‌گزینی با استفاده از صورت مذاکرات جلسات شورای فرهنگستان و نظر خواهی بعضی استادان و صاحب نظران، شرحی به آن اصول افزودند و مثال‌هایی از آنچه باید و آنچه نباید ذیل هر اصل آوردند تا رعایت این ضوابط و تطبیق آن‌ها بر مصادیق درست و نادرست آسان‌تر شود. و مجموعه‌ای تحت عنوان اصول و ضوابط واژه‌گزینی را منتشر نمودند.

حاصل و نتیجه این کوششها و مساعی اعضاء فرهنگستان این شد که در حدود ۲۹ جزوه تخصص و ۲ جزوه عمومی توسط گروه واژه‌گزینی تهیه و به کلیه ادارات و سازمان‌ها و مؤسسات دولتی و غیردولتی ارسال گردید و خود همین فعالیت‌ها موجب به تصویب رسیدن قانون «ممنوعیت بکارگیری اسامی، عناوین و اصطلاحات بیگانه» در سال ۱۳۷۵ گردید و بر این اساس بکار بردن واژه‌های بیگانه در گزارش‌ها و مکاتبات و سخنرانی‌ها و مصاحبه‌های رسمی و همچنین استفاده از این واژه‌ها بر روی کلیه تولیدات داخلی ممنوع گردیده است. حال تا چه حد این مصوبه جامه عمل پوشیده و در رادیو، تلویزیون، ادارات، آموزشگاه‌ها، دانشگاه‌ها و ... به آن عمل می‌شود، یا اینکه در مدت اندکی تصویب تعداد قابل ملاحظه‌ای واژه و ارسال این مصوبات، به معدودی از ادارات، تا چه حد می‌تواند موجب بکارگیری آن‌ها در سطح جامعه باشد، خود جای بسی تأمل دارد. زیرا این زبان شکرین و شیوای پارسی را که اقوام و تیره‌های گوناگون ایرانی را در هر سرزمین که می‌زیند به یکدیگر می‌پیوند، و نیرومندترین و کار سازترین ابزار و دستاویز آنان در رسیدن به همبستگی و پیوستگی است (کزازی، ۱۳۸۵)، چگونه می‌توان با معدودی جزوه‌ی تخصصی و عمومی که اغلب آن‌ها بجای کاربرد در جامعه و گفتار روزمره، در گوشه‌ی قفسه‌ها و کتابخانه‌ها در حال خاک خوردن هستند از شبیخون زبان‌های بیگانه نجات داد.

تأثیر زبان فارسی در سایر زبان‌ها:

البته، ناگفته نماند که نباید یک طرفه قضاوت کرد و همواره زبان فارسی را زبانی ضعیف و مظلوم دانسته و همواره از مظلومیت آن دم زد و طوری وانمود کرد که همیشه مورد هجوم واقع شده و هرگز قد راست نکرده و زبانی است که قدرت مقابله با سایر زبان‌ها و ایستادگی در برابر آن‌ها را نداشته و ندارد، بلکه باید گاهی نیز از قدرت و نفوذ و هجوم آن در گذشته و حال، به ویژه در حوزه‌های ادبی، علمی، جغرافیایی، سیاسی و اداری سایر ممالک نیز سخن گفت.

همه‌ی ادبا و علما اذعان دارند که بسیاری از زبان‌ها و آثار ادبی جهان کاملاً تحت تأثیر زبان و ادبیات فارسی قرار گرفته‌اند و آثار زیادی توسط شاعران و نویسندگان خارجی به سایر زبانها ترجمه شده‌اند. از آن جمله می‌توان به ترجمه‌ی رباعیات خیام توسط فیتز جرالد و تأثیر فردوسی بر ماتیو آرنولد انگلیسی، یا تأثیر حافظ بر گوته و الف‌والدومرسون اشاره کرد، و همچنین نفوذ زبان و ادب فارسی در شبه قاره هند و کشورهای نظیر تاجیکستان، افغانستان، پاکستان، آذربایجان و سایر همسایگان نیز بر کسی پوشیده نیست. حتی می‌توان گفت، فارسی برای شهروندان بنگالی درست مانند عربی برای فارسی زبانان و روسی برای شهروندان آسیای میانه است. یعنی دانستن فارسی شهروند بنگالی را در شناخت تاریخ و فرهنگ و هویت گذشته‌اش کمک می‌کند (فتوحی، ۱۳۸۵).

همچنین همه دانشمندان، متفق‌القولند که عرب از زبان فارسی بیشتر لغت گرفته است، تا از سایر ملل، زیرا عرب بیشتر در زیر حکومت ایران قرار داشته و مدت‌های مدیدی مراکز بزرگ عرب که یمن، بحرین، حیره و حجاز باشد در تملک ایرانیان بوده است و از عهد هخامنشی تا عهد یزدگرد شهریار، مدت هزار و دویست سال این ملت بستگی سیاسی و تجاری با ایران داشته و با هند نیز توسط کشتی نوردان ایرانی و ایرانیان مربوط بوده است و نفوذ ادبی ایران قسمتی را باید مربوط به این ادوار دور و دراز دانست و بسیاری از لغات فارسی در این مدت از ایران به عرب سرایت کرده است. (بهار ۱۳۶۹)

در اینجا لازم می‌دانم اشاره کنم که، واژه‌های قرضی قدیمی را بیشتر اوقات نمی‌توان از واژه‌های بومی باز شناخت همچنین، هنگام قرض‌گیری واژه جدید مطابق نظام آوایی زبان قرض‌گیرنده تلفظ می‌شود و بخشی از آن می‌گردد و سر انجام تابع تحولات آوایی حادث در واژه‌های بومی می‌شود و در حقیقت هویت اصلی خود را از دست می‌دهد.

ثعالی چندین لغت ذکر کرده که عرب از فارسی اخذ کرده است.

در مورد نفوذ زبان فارسی در زبان انگلیسی، مطالب زیادی نوشته شده که ما در اینجا به تعدادی از واژه‌هایی که به صورت مثال ذکر کرده‌اند اشاره می‌کنیم:

جدول شماره ۱: تعدادی از واژه‌های فارسی دخیل در انگلیسی

Caravan	کاروان	Nav	ناو	Canary	قناری .
Spinach	: اسفناج	Arch	ارک ، عرش	Jackal	شغال .
Candy	از کلمه قند فارسی است	King	شاه از ریشه "کوی" زبان اوستایی	Dikar	دینار. ریشه اوستایی دارد.
Orange	نارنج و ترنج	Pistachio	پسته .	Pepper	فلفل
Lemon	لیمو ،	Eye brow	ابرو .	Nuphar	نیلوفر
Saffron	زعفران ،	Cow	گاو.	Plateau	فلات

Garden: باغ. این واژه نیز ایرانی است، در پارسی به باغچه‌های کوچک "کرت" می‌گویند.

Sumac نیز برگرفته از سماق فارسی است.

در مورد نفوذ زبان فارسی در زبان فرانسه نیز می‌توان به واژه‌های زیر اشاره نمود.

جدول شماره ۲: تعدادی از واژه‌های فارسی دخیل در فرانسه

Nenophar	نیلوفر .	Lemon	لیمو	Espange	اسفنج
Orang	نارنج، ترنج	Safran	زعفران	Canari	قناری
Rhubarbe	ریواس .	Jardin	باغ	Canon	قانون
Caravane	کاروان	Kebab	کباب	Paradis	پردیس
Caravanserail	کاروان سرا	Sucre	شکر	Pistache	پسته
Kibin	کابین	Derviche	درویش	Bazar	بازار

گیرو (۱۹۶۵) نیز در کتاب خود فهرستی از واژه‌های دخیل فارسی در فرانسه آورده است (دیهم، ۱۳۷۱).

پس از جنگ جهانی دوم به علت تحقیقات دانشمندان اروپایی و ایرانی علاقه‌مندان به شرق، بویژه ایران از سوی دیگر و همچنین طبع و نشر کتاب‌های قدیمی و پژوهش‌های متنوع دیگر موجبات رشد پدیده‌ای به نام ایران‌شناسی فراهم آمد (رادفر، ۱۳۷۱) و به دلیل غنای فرهنگی و گستردگی قلمرو ادبیات حماسی و غنای شیرین و دلنشین فارسی، اروپاییان علاقه‌مند به فراگیری زبان فارسی شدند.

هوشنگی می‌نویسد: به گواه منابع موجود می‌توان اذعان داشت که باب ارتباطات فرهنگی و زبانی بین دو کشور ایران و اسپانیا، همواره گشوده بوده و در مورد این دو کشور مدارک و نسخ خطی بسیاری که در کتابخانه‌های ملی مادرید و ال اسکوریال به فارسی وجود دارد و همچنین ورود مسلمانان به اسپانیا (۷۱۱ق/۱۴۹۲م) و احیای بسیاری دانش‌های برگرفته از ایرانیان، زمینه‌های برخی تأثیرات را ایجاد نمود (هوشنگی، ۱۳۸۲).

همچنین نامور مطلق کتابی تحت عنوان «اسطوره متن بینا فرهنگی؛ حضور شاهنامه در فرهنگ‌ها و زبان‌های جهان» تهیه کرده که در آن جمعی از شاهنامه‌شناسان ایران در باره تأثیر شاهنامه بر ادب و فرهنگ دیگر کشورها، از جمله در: جهان معاصر عرب، شبه قاره، ادبیات ترکیه، ادبیات ارمنی، گرجستان، کشورهای آلمانی‌زبان، کشورهای انگلیسی‌زبان، فرهنگ و ادب فرانسه، روسیه، ادبیات اسپانیا و چین اشاره کرده‌اند (فاطمی، ۱۳۸۹).

کتابهای لغت و دستور زبان فارسی به شیوه‌ها و صورت‌های مختلف و گوناگون از قدیمترین دوران آشنایی خاورشناسان با ایران تألیف و تدوین شده است، چنانکه اسناد گواهی می‌دهند، از سال ۱۶۳۹ چاپ کتاب‌هایی در خصوص دستور زبان فارسی در هلند آغاز گردید، دومین کتاب در شهر روم و سپس در کشورهای آلمان، اتریش، انگلیس، چک‌واسلواکی، رومانی، فرانسه، فنلاند، لهستان، مجارستان و... به چاپ رسیدند (رادفر، ۱۳۷۱).

همچنین می‌توان به رویکرد و تمایل اندیشمندان مختلف سایر ملل به آموزش و گسترش این زبان در سایر کشورها از جمله لاهوتی از کشور پاکستان و نامق کمال از ترکیه (پاشازاده، ۱۳۹۲) اشاره کرد.

امروزه نیز دوره‌های مختلف ایران‌شناسی و دانش افزایی زبان فارسی توسط بنیاد ایران‌شناسی در کشورهای مختلف از جمله ایتالیایی، ترکیه و... باهدف ترویج زبان فارسی برگزار می‌گردد.

علاوه بر اینها می‌توان واژه‌های دخیل فارسی در زبانهای دیگر را نیز ذکر کرد، که ما در اینجا بخاطر جلوگیری از اطاله‌ی کلام از آنها صرف نظر می‌کنیم.

و این در حالی است که هرگز زبان فارسی مانند زبان عربی مورد نیاز سایر ملل قرار نگرفته است که نویسندگان و شعرای آنها بتوانند یا قصد کنند که به زبان فارسی شعر بگویند یا نثر بنویسند.

چگونگی برخورد زبان با واژه‌های بیگانه:

آمیختن زبان‌ها با یکدیگر بر چند قسم است:

- زبانی هر چه را ندارد از همسایه یا جایی دورتر می‌گیرد (وامگیری).
- آن واژه‌ها را که وارد زبان خود ساخته، با لهجه و سلیقه خود ملایم می‌کند.
- گاهی آن‌ها را تصحیف می‌کند.
- گاهی مفهوم آن‌ها را تغییر می‌دهد.
- گاهی اگر جامد است مشتق می‌کند.
- و گاهی اگر مشتق است، جامد می‌کند.
- گاهی صورت اصلی و حقیقی آنرا حفظ می‌کند و نگاه می‌دارد و لیکن آنرا مطیع ترکیب‌ها و صرف و نحو خود می‌سازد و مانند لغات ملی خود با آن‌ها رفتار می‌کند.

البته از مجامع علمی و فنی نیز انتظار می‌رود با آگاهی از اهداف دشمنان همواره جامعه را با استفاده از بکارگیری مصوبات فرهنگستان یاری نموده و مانع از بکارگیری معادل‌های خارجی این واژه‌ها گردند.

زبان‌ها واژه‌ها را نه بطور اتفاقی، بلکه بر اساس شرایط خاصی، از یکدیگر قرض می‌گیرند. پیگیری پیشینه قرض‌گیری زبانی به منزله دنبال کردن تاریخ یک ملت است، مثلاً کدام قوم، بر کدام اقوامی چیره شده‌اند، کدامین اقوام آن‌ها را مغلوب کرده‌اند، الگوهای تجاری، سوابق فکری و مذهبی و رشد جامعه آنان چگونه بوده است. زبان‌شناسی از این طریق با تاریخ رابطه تنگاتنگی پیدا می‌کند. توصیف موارد قرضی از سوی زبان‌شناس، می‌تواند فرضیه‌های تاریخ‌دان را تأیید کند و شرح تاریخ‌دان در مورد تماس‌های موجود بین ملت‌ها می‌تواند برای زبان‌شناس در حکم منابع قرض‌گیری زبان باشد.

هر زبانی در هنگام روبرو شدن با فرهنگ و تمدن دیگری، از بعضی جهات، بویژه از لحاظ بازگو کردن مفاهیم علمی و فنی با مشکلاتی مواجه می‌شود.

بی شک گویشوران جوامعی که بومی آن فرهنگ اولیه هستند، فرصت کافی برای تغییر خط و زبان، هم گام با آن تغییرات و علم را در طول زمان دارا بودند، اما سایر ملل، این فرصت را نداشتند و هنگامی با این مفاهیم مواجه می‌شوند که حجم عظیمی از واژه‌ها به سوی متقاضیان علم و دانش و فن، سرازیر شده است.

به همین دلیل چون امکان مقابله و واژه‌گزینی سریع در این مدت اندک و با این حجم وجود ندارد، از این رو وامگیری از زبانهای بیگانه رونق می‌گیرد و بی وقفه ادامه می‌یابد.

زبان فارسی نیز از این هجوم بی بهره نبوده و همواره از این موضوع ضرر و زیان فراوان دیده است. حال برای مقابله با این وضعیت، سه راه پیش روی داریم (طباطبائی ۱۳۷۶).

- همچنان به شیوه معمول خود، به وامگیری گسترده از زبان‌های دیگر ادامه دهیم.
- یکی از زبانهای اروپائی را به منزله زبان علم برگزینیم و از زبان فارسی تنها در مسائل روز مره و احیاناً ادبیات بهره جوییم، این راه حل گذشته از لطمه‌های جبران ناپذیری که بر زبان فارسی و فرهنگ و هویت ملی وارد می‌آورد و ما را از داشتن فرهنگی بارور،

غنی و یکپارچه محروم می‌سازد، ایراد بزرگ دیگری نیز دارد؛ علم آموزی به زبان مادری بسیار سهل‌تر از زبان بیگانه است، زیرا درک ظرایف و پیچیدگی‌های زبان دوم میسر نیست، مگر با صرف وقت و هزینه‌ی بسیار و از آنجا که چنین شرایطی برای غالب مردم فراهم نیست، اشاعه‌ی دانش، محدود و سطحی و کند خواهد شد (منصوری، ۱۳۷۴).

- یا به همت تمامی فارسی‌زبانان، فارسی را چنان به‌رورانییم که از عهده‌ی پاسخگویی به نیازهای زمانه برآید. این کار ممکن نیست، مگر با کنار گذاشتن پیشداوری‌ها و بهره‌جویی از تمامی امکانات واژه‌سازی زبان فارسی، چنین راهبردی گاه مستلزم بکارگیری فرایندهایی است که هر چند در زمره‌ی امکانات واژه‌سازی فارسی هستند، تاکنون چندان طرف توجه قرار نگرفته‌اند (طباطبایی، ۱۳۷۶).

نتیجه گیری :

در عرصه‌ی روابط علمی نباید ترسید، باید آداب اینگونه روابط را دانست، فهمید و هدف غایی را در آن جستجو کرد. در روابط علمی است که گفت و گو شکل می‌گیرد، درک متقابل صورت می‌گیرد، بده بستانها (بده بستانهایی که مانع حرکت نشوند، بلکه نه تنها حرکت را ادامه دهند، بلکه به حرکت شتاب نیز ببخشند) آغاز می‌شود و شیوه‌ی ادامه‌ی حرکت، حفظ و اشاعه‌ی دستاوردها و حتی ارتقاء آنها جستجو می‌شود. پس برای تعامل با دنیا باید زبان فارسی را فعال کرد و در این راه نباید از تعامل ترسید و در این ارتباطات باید راه‌های پیشبرد حرکت عظیم آمیختن خط و زبان فارسی با رایانه را به نحوی جستجو کرد که، حرکت مدام رو به پیشرفت را ارتقاء داد و موانع را برطرف کرد. در رابطه با سایر زبانها نیز باید واقعیت‌ها را جایگزین فرض‌ها کرد، سایر زبانها، چه ما بپذیریم و چه نپذیریم، در قالب زبان خارجی عمل می‌کنند. امروزه اگرچه شاید روش‌ها و الفاظ و نام‌ها تغییر کرده باشند، اما ماهیت رفتار یک زبان بیگانه در حال نفوذ، مشاهده می‌شود. وقتی در دنیای کنونی زبان‌شناس‌های سایر زبانها به دنبال جهانی کردن زبان کشورشان هستند، بی شک متخصصان کشورهای سلطه طلب نیز به دنبال افزایش قدرت زبان خود و غلبه بر سایر زبانها می‌باشند. اعتماد و خوش بینی در مقابل چنین عملکردی قطعاً جایز نیست. افزایش قدرت و گسترش زبان فارسی با توجه به اصالت و توانمندی آن، کار سختی نیست، مهم‌ترین عامل برای دستیابی به این هدف گم نکردن مسیر اصلی و اتحاد بین زبان‌شناسان و ادیبان و مسئولین فرهنگی کشور است.

برای دستیابی به چنین دستاوردی اتلاف زمان یکی از عوامل شکست محسوب می‌گردد.

نتیجه این قبیل هم‌فکری و هم‌اندیشی و پذیرش عقاید همدیگر، ثروت زبان، برومندی کلام، وسعت فکر و توانایی گوینده و نویسنده در ادای مقاصد مختلف و اغراض گوناگون خواهد بود و این قبیل اختلاط‌ها همواره بسیار مفید و سودمند خواهند بود. (بهار، ۱۳۶۹)

منابع :

۱. بهار، محمد تقی؛ (۱۳۶۹) "سبک شناسی ، جلد اول " انتشارات امیر کبیر ، تهران .
۲. پاشازاده، غلامعلی، (۱۳۹۲)، " نامق کمال و زبان و ادب فارسی"، نشریه ادب و زبان ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان.
۳. دهخدا ، علی اکبر (۱۳۷۱) زیر نظر دکتر معین "مقدمه لغت نامه دهخدا" انتشارات مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران زمستان ۱۳۷۱ ، تهران .
۴. دیهیم ، گیتی ؛ (۱۳۷۱) " واژه های دخیل فارسی در فرانسه" فصلنامه فرهنگ ، زمستان (۱۳۷۱) موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی (پژوهشگاه علوم انسانی) تهران .
۵. رادفر، ابوالقاسم (۱۳۷۱) " دستورهای فارسی در زبانهای اروپایی" فصلنامه فرهنگ موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی (پژوهشگاه) زمستان ۱۳۷۱.
۶. طباطبایی، علاءالدین (۱۳۷۶). " فعل بسیط فارسی و واژه سازی". مرکز نشر دانشگاهی؛ تهران
۷. فاطمی، بهمن؛ (۱۳۸۹)؛ معرفی کتاب "اسطوره متنی بینا فرهنگی؛ حضور شاهنامه در فرهنگ ها و زبان های جهان" ، کتاب ماه ادبیات، شماره ۳۷، پیاپی ۱۵۱، اردیبهشت ۸۹، تهران.
۸. فالك، جوليا. اس. (۱۳۷۱) ؛ "زبان شناسی و زبان، بررسی مفاهیم بنیادی زبان شناسی"، ترجمه خسرو غلامعلی زاده؛ انتشارات معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی، مشهد.
۹. فتوحی ، محمود (۱۳۸۵) "جایگاه زبان و ادبیات فارسی در بنگلادش و راه های ارتقای آن" نامه پارسی سال یازدهم ، شماره اول ، بهار ۱۳۸۵، تهران.
۱۰. کزازی، میرجلال الدین (۱۳۸۵) "دریغ است که بهشت زشت گردد" نامه پارسی سال یازدهم ، شماره اول ، بهار ۱۳۸۵، تهران.
۱۱. کمال، ندیمه؛ نوبریان، سیمین؛ (۱۳۸۳)؛ "بررسی کلمات دخیل در زبان فرانسه"؛ نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز؛ سال ۴۷، بهار ۸۳، شماره مسلسل ۱۹۰.
۱۲. منصوری، رضا؛ (۱۳۷۴)؛ "چرا و چگونه زبان فارسی باید زبان علمی ما باشد"، مجله نشر دانش، شماره ۴، خرداد و تیر .
۱۳. هوشنگی، سعید؛ (۱۳۸۲)؛ "زمینه های تأثیر زبان فارسی در فرهنگ و زبان اسپانیایی"، نامه پارسی، دوره ۸، شماره ۳، تهران.

1. Guiraud. P . 1965. Les mots etrangers . paris . P.U.F